



درس فارغ اصول استاد حاج سید مجتبی نورمفیدی

تاریخ: ۱۶ اسفند ۱۳۹۱

مصادف با: ۲۳ ربیع الثانی ۱۴۳۴

جلسه: ۸۶

موضوع کلی: وضع

موضوع جزئی: قسم سوم وضع - وضع هیئات

سال: چهارم

«الحمد لله رب العالمین و صلی الله علی محمد وآله الطاهرین و اللعن علی اعدائهم اجمعین»

بحث در تفاوت جمل خبریه و انشائیه بود، در این رابطه نظر مرحوم آخوند ذکر شد و اشکالی هم از طرف محقق اصفهانی به فرمایش مرحوم آخوند ایراد شده بود که ذکر آن گذشت. البته نظر محقق اصفهانی محل تأمل است که توضیح آن را در بیان نظریه مختار عرض خواهیم کرد.

اشکال دوم: (محقق خوبی)

اگر معنای جمله خبریه و معنای جمله انشائیه یکسان باشد - مرحوم آخوند فرمود جمله خبریه و جمله انشائیه در موضوعه و مستعمل فییه یکسان هستند و تفاوت بین آنها تنها به لحاظ داعی استعمال است، یعنی فقط ظرف استعمال این دو متفاوت است - پس باید استعمال هر یک به جای دیگری صحیح باشد، یعنی باید بتوان جمله خبریه را به جای جمله انشائیه و جمله انشائیه را به جای جمله خبریه استعمال کرد، در حالی که این استعمال صحیح نیست.^۱

البته باید به این نکته توجه شود که ما در تنقیح محل بحث در کلام مرحوم آخوند گفتیم نظر ایشان بیشتر به جمله‌هایی مثل «بعث» است که هم قابلیت انشاء دارند و هم قابلیت اخبار، مرحوم آخوند فرمودند در این گونه جملات که هم قابلیت انشاء دارند و هم قابلیت اخبار، فرق بین اینها به داعی استعمال است، حال اگر معنای «بعث» اخباری و «بعث» انشائی یکی باشد و فرق بین آنها فقط در داعی استعمال باشد در این صورت این اشکال که استعمال هر یک از این دو جمله به جای دیگری صحیح نیست، نمی‌تواند به عنوان یک اشکال مطرح شود؛ چون فرض این است که «بعث» لفظی است که هم قابلیت خبری بودن را دارد و هم قابلیت انشائی بودن و موضوعه در هر دو جمله هم یکی است، مستعمل فییه هم یکی است ولی این بدان معنی نیست که هیچ فرقی با هم نداشته باشند، مرحوم آخوند معنای جمله خبریه و معنای جمله انشائیه را مفروغ عنه گرفته و اینجا فقط در صدد بیان فارق بین این دو است. حال سؤال این است که آیا این اشکال که استعمال هر یک از جمله انشائیه و خبریه به جای دیگری باید صحیح باشد در حالی که غلط است، وارد است یا خیر؟

بررسی اشکال دوم:

اگر ما گفتیم موضوعه و مستعمل فییه در هر دو جمله خبریه و انشائیه یکی است، استعمال لفظ در معنای موضوعه حقیقت است و استعمال لفظ در غیر معنای موضوعه مجاز است، حال اگر جمله خبریه به جای جمله انشائیه استعمال شود،

۱. المحاضرات، ج ۱، ص ۹۹.

مرحوم آقای خوبی می‌گوید طبق مبنای شما این استعمال باید حقیقی باشد چون در موضوع‌له خودش بکار رفته است در حالی که این استعمال، غلط است. پاسخ این است که درست است که این استعمال غلط است ولی غلط بودن استعمال و حقیقی نبودن استعمال ملازم نیستند، این گونه نیست که اگر معنای جمله خبریه و انشائیه یکسان بود استعمال آنها به جای یکدیگر هم باید صحیح باشد؛ مثلاً اگر کسی لفظ «اسد» را به همراه قرینه استعمال کند و بگوید «رأیتُ اسداً یرمی»، این جمله ظهور در معنای مجازی دارد، یعنی اسد در معنای غیر ما وُضِع له استعمال شده، چون موضوع‌له «اسد»، حیوان مفترس است ولی «اسد» استعمال شده در جمله مذکور به قرینه «یرمی» بر رجل شجاع دلالت می‌کند. پس ممکن است یک استعمالی حقیقی باشد ولی صحیح نباشد، اگر لفظ در معنای موضوع‌له خودش بکار رفت ولی در غیر جایی که باید بکار رود استعمال شود یعنی استعمال بغیر ما وضع له باشد، این استعمال، غلط است، یعنی استعمالی است که قابل قبول نیست، کما اینکه بسیاری از استعمالات وجود دارد که مورد قبول عرف نیست، مثلاً اگر کسی بگوید: «رأیتُ اسداً یرمی» و بخواهد از این «اسد» که به قرینه «یرمی» بر رجل شجاع دلالت دارد، حیوان مفترس را که معنای حقیقی «اسد» است اراده کند، این استعمال، خلاف ظاهر است. در ما نحن فیه هم اگر کسی «بعثُ» خبری را بخواهد در معنای مخالف آن که انشائی باشد استعمال کند، این استعمال، خلاف ظاهر خواهد بود.

به هر حال عرض ما این است که با توجه به اینکه موضوعی که ما برای محل بحث مرحوم آخوند ذکر کردیم که منظور ایشان از یکسان بودن معنای جمله خبریه و انشائیه، جملاتی است که هم قابلیت اخبار را داشته باشند و هم قابلیت انشاء، نمی‌توان گفت چون استعمال یکی از دو جمله خبریه و انشائیه به جای دیگری اشتباه است پس معنای جمله خبریه و انشائیه یکسان نیست و به عبارت دیگر از غلط بودن استعمال این دو جمله به جای یکدیگر، تفاوت معنای این دو نتیجه گرفته نمی‌شود؛ چون ممکن است یک لفظی در معنای حقیقی خودش استعمال شود و غلط هم باشد، مجاز بودن با غلط بودن و صحیح بودن با حقیقی بودن ملازم نیستند و غلط بودن استعمال یکی به جای دیگری غیر از مجاز بودن استعمال است، اگر گفتیم استعمال «بعثُ» خبری به جای «بعثُ» انشائی غلط است نمی‌توان نتیجه گرفت پس معنای این دو جمله متفاوت است و استعمال آنها به جای یکدیگر مجاز است و این دو جمله دو معنای متفاوت دارند. پس از غلط بودن استعمال یک جمله به جای دیگری تفاوت معنای آن دو جمله، نتیجه گرفته نمی‌شود. خود مرحوم آخوند هم قائل به عدم استعمال هر یک از جمله خبریه و انشائیه به جای دیگری است ولی عدم جواز استعمال ملازم با تفاوت معنای آنها نمی‌باشد. لذا به نظر می‌رسد این اشکال وارد نباشد.

بررسی اشکال اول:

در رابطه با آنچه که محقق اصفهانی فرمودند هم باید به این نکته توجه داشته باشید که ما آنچه از کلام مرحوم آخوند نقل کردیم درباره جملاتی بود که هم قابلیت اخبار را دارد و هم قابلیت انشاء و تفاوت این دو هم به نظر ایشان فقط در داعی استعمال بود، محقق اصفهانی به اطلاق کلام مرحوم آخوند اشکال کرد و گفت نمی‌توانیم تفاوت بین جمل خبریه و انشائیه

را مطلقاً در داعی استعمال بدانیم، بلکه باید ببینیم الفاظ قابل برای انشاء و اخبار ماده و هیئت یکی هستند یا نه؟ ایشان گفت در مثل «بعثت» خبری و «بعثت» انشائی که ماده و هیئت یکی هستند، اختلاف به داعی استعمال است و کلام مرحوم آخوند در مورد جملی که ماده و هیئت یکی هستند صحیح است. اما در جایی که جمله خبریه و انشائی ماده و هیئت متفاوت هستند مثل «اضرب» (جمله انشائی) و «اطلب منك الضرب» (جمله خبریه)، «اضرب» جمله‌ای است که ممخض در انشاء است ولی «اطلب منك الضرب» جمله‌ای است که قابلیت انشاء و اخبار را دارد، پس هر دو جمله قابل انشاء و اخبار نیستند؛ چون جمله «اضرب» فقط قابلیت انشاء و ایجاد را دارد و احتمال اخبار در آن داده نمی‌شود، اما جمله «اطلب منك الضرب» هم قابلیت اخبار را دارد و هم قابلیت انشاء، ولی مراد از «اطلب منك الضرب» در اینجا اخبار است، محقق اصفهانی می‌گوید بین «اضرب» که فقط قابلیت انشاء را دارد و «اطلب منك الضرب» که قابلیت اخبار و انشاء را دارد ولی در اینجا مراد از آن، اخبار است تفاوت در مستعمل‌فیه است و اینجا اختلاف به داعی نیست لذا معنای این دو متفاوت است.

اگر ما بگوییم کلام مرحوم آخوند در خصوص جملاتی است که هم قابلیت اخبار را دارد و هم قابلیت انشاء، مثل «بعثت» که ماده آن بیع است و بر معامله کردن و نقل و انتقال دادن دلالت دارد، هیأت «بعثت» هم، هیأت فعل ماضی است که بر وقوع فعل در گذشته دلالت دارد، در این صورت «بعثت» که در مقام اخبار بکار می‌رود در معنای خودش بکار رفته چون بیع بر نقل و انتقال دلالت دارد و فعل ماضی هم در معنای خودش بکار رفته است، «بعثت» هم که در مقام انشاء بکار می‌رود هم یک ماده و یک هیأت دارد که ماده آن بیع و هیأت آن هم فعل ماضی است و همان هیأت «بعثت» خبری را دارد، پس ماده و هیأت «بعثت» معلوم است، آن‌گاه محقق اصفهانی چگونه کلام مرحوم آخوند را در این بخش تأیید می‌کند و مثل مرحوم آخوند معتقد است که معنی و موضوع له «بعثت» خبری و «بعثت» انشائی یکی است؟ ما باید بسنجیم که بالاخره در وضع لفظی مثل «بعثت» یا باید ماده آن را در نظر گرفت یا هیأتش را، چون وضع ماده و هیأت با هم معنی ندارد، چون هیأت قالبی است که هر چه در آن قالب ریخته شود معنای آن را به خود بگیرد، لذا وضع ماده و هیأت به ضمیمه هم معنی ندارد، ماده همیشه یک وضعی دارد که در هر قالبی قرار بگیرد معنای متناسب با آن قالب را پیدا می‌کند، پس ماده بیع یک وضع دارد و هیأت بیع هم یک وضع جداگانه دارد که گاهی فاعل، گاهی مفعول و گاهی هم فعل است و هیأت هیچ‌گاه در مقام انشاء بکار نمی‌رود اما ماده را که به خودش نسبت می‌دهد قابلیت انشاء پیدا می‌کند.

پس محقق اصفهانی بین جملاتی که هم قابلیت انشاء و هم قابلیت اخبار را داشته باشند و جملاتی که فقط قابلیت اخبار یا انشاء را داشته باشند تفصیل داده و فرموده: اگر مراد مرحوم آخوند جملاتی باشد که هم قابلیت انشاء را دارد و هم قابلیت اخبار، مثل «بعثت»، حق با ایشان است لذا در این صورت موضوع له و مستعمل‌فیه جملات خبریه و انشائی یکسان خواهد بود و تفاوت فقط به لحاظ داعی استعمال می‌باشد ولی اگر مراد مرحوم آخوند جملاتی باشد که فقط قابلیت اخبار یا انشاء را دارد مثل «اضرب» و «اطلب منك الضرب» که «اضرب» فقط قابلیت انشاء را دارد، در این صورت

مستعمل^۱ فیه جمله خبریه و انشائیه با هم فرق خواهد داشت و این گونه نیست که تفاوت آنها فقط به لحاظ داعی استعمال باشد، حال اینکه آیا موضوع له جمله خبریه و انشائیه هم در این صورت متفاوت است از عبارات محقق اصفهانی بدست نمی آید.

ما در پاسخ محقق اصفهانی عرض کردیم:

اولاً: نظر مرحوم آخوند بیشتر به جملاتی است که هم قابلیت انشاء را دارد و هم قابلیت اخبار، مگر اینکه بگوییم تفاوت و فارق بین جمله خبریه و انشائیه که مرحوم آخوند مدعی آن شدند به خصوص جملاتی که هم قابلیت انشاء و هم قابلیت اخبار را دارد مربوط نیست بلکه ایشان فرق مطلق جملات خبریه و جملات انشائیه را فقط به لحاظ داعی می دانند که جملات خبریه به داعی حکایت استعمال می شوند و جملات انشائیه به داعی ایجاد و فرقی هم نمی کند که مثل «بعث» هم قابلیت انشاء را داشته باشد و هم قابلیت اخبار یا مثل «اضرب» و «اطلب منک الضرب» باشد که «اضرب» فقط قابلیت انشاء را دارد و «اطلب منک الضرب» هم در عین حال که هم قابلیت انشاء و هم قابلیت اخبار را دارد لکن مراد از آن در اینجا اخبار است، اما آنچه از ظاهر کلام ایشان استفاده می شود این است که نظر ایشان بیشتر به جملاتی است که هم قابلیت انشاء را دارند، هم قابلیت اخبار.

ثانیاً: باید ببینیم وجه اینکه محقق اصفهانی کلام مرحوم آخوند را در جملاتی که هم قابلیت انشاء را دارند و هم قابلیت اخبار، پذیرفت چیست؟ آیا محقق اصفهانی پذیرفته که در این صورت موضوع له و مستعمل^۱ فیه این جملات یکی است و تفاوت فقط به لحاظ داعی استعمال است؟ در این صورت وضع را در رابطه با جملاتی مثل «بعث» که هم قابلیت اخبار را دارد و هم قابلیت انشاء، یا باید در رابطه با ماده در نظر گرفت یا در رابطه با هیأت، ماده در هر دو جمله خبری و انشائی مشترک است که همان بیع می باشد اما هیأت «بعث» هیأت فعل ماضی است که دلالت بر صدور فعل در زمان گذشته از متکلم می کند، حال اگر معنای این هیأت، صدور فعل در زمان ماضی از طرف متکلم باشد، در این صورت معنای آن با «بعث» انشائی فرق خواهد داشت و اگر معنایی غیر از این داشته باشد، موضوع له «بعث» چیست و بر چه چیزی دلالت می کند؟

محل بحث:

اجمال بحث این شد که ما نخست اشکال محقق خوبی را به مرحوم آخوند بیان کرده و از آن پاسخ دادیم، دوباره به اشکال اول که از طرف محقق اصفهانی به مرحوم آخوند ایراد شده بود برگشتیم و ملاحظاتی که پیرامون کلام محقق اصفهانی وجود داشت را اشاره کردیم. محصل این ملاحظات این شد که اگر چه ظاهر کلام مرحوم آخوند در فرق بین جمله خبری و انشائی ناظر به امثال «بعث» است که هم قابلیت انشاء را دارند و هم قابلیت اخبار و مرحوم آخوند می گوید فرق بین این گونه جملات فقط به داعی استعمال است، اما احتمال دارد این فارق در مورد مطلق جملات خبریه و انشائیه باشد، اگر منظور مرحوم آخوند احتمال اول باشد که کلام ایشان فقط ناظر به جملاتی مثل «بعث» که هم قابلیت

اخبار را دارد و هم قابلیت انشاء، در این صورت وجهی برای مخالفت محقق اصفهانی با مرحوم آخوند در الفاظی مثل «اضرب» و «اطلب منک الضرب» نیست چون ایشان کلام مرحوم آخوند را پذیرفته و قسم دوم از تفصیلی که ایشان بیان کردند در واقع خروج از محل بحث است چون آن قسم منظور مرحوم آخوند نیست.

اما اگر بگوییم منظور مرحوم آخوند مطلق است و ایشان فرق بین جملات خبریه و انشائیه را به نحو مطلق بیان می‌کند در این صورت سؤال ما از محقق اصفهانی این است که درست است که شما پذیرفته‌اید بین معنای جملات خبریه و انشائیه در قسم دوم که فقط قابلیت انشاء یا اخبار داشته باشد فرق است اما در قسم اول مثل «بعث» که هم قابلیت انشاء را دارد و هم قابلیت اخبار که شما قول مرحوم آخوند را پذیرفتید و گفتید تفاوت جمله خبریه و انشائیه فقط در داعی استعمال است، وضع «بعث» چگونه است؟ وضع ماده «بعث» در جملات خبریه و انشائیه یکسان است اما آیا وضع هیأت این دو هم یکسان است؟ و آیا همین هیأتی که برای صدور فعل از طرف متکلم در زمان ماضی وضع شده، به داعی ایجاد و انشاء بکار می‌رود یا خیر؟ به هر حال نظر مرحوم آخوند محل تأمل است.

بحث جلسه آینده: نظری از طرف مشهور ارائه شده و مرحوم آقای خویی اشکالاتی به مشهور ایراد کرده‌اند که در جلسه آینده به آن خواهیم پرداخت.

«والحمد لله رب العالمین»